

The Sacrifice of Firstborns in the Old Testament and Its Background

Somayeh Rakhshani

Master's degree, Department of Religion and Comparative Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Teaching, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Somayeh.rakhshanifar3@gmail.com

Khalil Hakimifar

Associate Professor, Department of Religion and Comparative Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Teaching, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran,

(Corresponding Author), Kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

Abstract:

The concept of firstborn status is a significant topic in the Hebrew Bible. Firstborns had special rights and privileges within the family, as well as specific responsibilities in social and religious contexts. The Jewish people consecrated every firstborn male for service to "Yahweh," the Hebrew God. The verse "All the firstborn are mine" implies that the firstborns were sacrificed to Yahweh. However, other verses indicate Yahweh's severe warnings against child sacrifice to the Israelites. It is argued that Yahweh's demand that all firstborns belong to Him and must be consecrated does not mean sacrifice, but rather the sanctification and distinction of firstborns from others. The question is, what is the origin of the concept of firstborn status and its sacrifice in Judaism, and how did it come to be included in the Bible? This research, with an external religious approach and using historical-sociological methods and references to the Bible, will explore the background of the sacrifice of firstborns in Judaism.

Keywords: Firstborn, Judaism, Sacrifice, Hebrews.

قربانی نخست‌زاده در عهد عتیق و پیشینه آن^۱

خلیل حکیمی‌فر^۳

سمیه رخشانی‌فر^۲

چکیده

نخست‌زادگی از موضوعات مهم کتاب مقدس عبری به شمار می‌رود. نخست‌زادگان از حقوق و امتیازات خاصی در خانواده و همچنین از مسئولیت‌های ویژه‌ای در زمینه‌های اجتماعی و دینی برخوردار بودند. قوم یهود هر نخست‌زاده‌ی مذکر را برای خدمت به «یهوه» خدای عبرانیان، تقدیس می‌نمود. از آیه «تمامی نخست‌زادگان متعلق به من هستند» برمی‌آید که نخست‌زادگان برای یهوه قربانی شده‌اند اما آیات دیگری نیز مشاهده می‌شود که هشدارهای سخت یهوه علیه قربانی کودکان، به بنی‌اسرائیل را نشان می‌دهد. این ادعا وجود دارد که تقاضای یهوه مبنی بر این که تمامی نخست‌زادگان متعلق به او هستند و باید برای او وقف شوند به معنای قربانی کردن نیست، بلکه به معنای تقدیس و اهمیت نخست‌زادگان و تمایز آنان از دیگران است. سوال این است که موضوع نخست‌زادگی در یهودیت و قربانی آن، دارای چه منشاء و مبدایی است و در کتاب مقدس چگونه مطرح گردیده است. در این تحقیق با رویکرد برون‌دینی و با روش تحلیلی و با استناد به کتاب مقدس، پیشینه‌ی قربانی نخست‌زادگان مورد کنکاش قرار خواهد گرفت..

کلید واژه: نخست‌زادگی، یهودیت، قربانی، عهد عتیق

۷۸
پژوهشنامه ادیان

سال ۱۹، شماره ۳۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه فلسفه و ادیان، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. Somayeh.rakhshanifar3@gmail.com

۳. دانشیار، گروه فلسفه و ادیان، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول): Kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

آیین قربانی در گذر زمان و در بین اقوام مختلف به شکل‌های متفاوتی رواج داشته است. از مهمترین اشکال قربانی می‌توان به قربانی و یا پیشکشی محصولات زراعی، دامی و نیز قربانی انسانی اشاره کرد که همه‌ی این موارد با هدف قدردانی و سپاس‌گزاری از خدایان و به انگیزه‌ی استعانت و استمداد از خدایان و یا تقرب به آنها و دفع خشم و نارضایتی آنان انجام می‌شده‌اند. به همین سیاق در ادیان خاور نزدیک باستان و بین‌النهرین آیین قربانی وجود داشته است. پیشینه قربانی در میان قوم سامی را دست کم تا دوران حضرت ابراهیم می‌توان ردیابی کرد. برخی معتقدند که افکار و عقاید کنعانیان بر آیین‌های بنی‌اسرائیل تاثیرگذار بوده است.^۱ "در نواحی شمالی کنعان، در جایی که زمین بارور و مزارع سرسبز وجود دارد، اسرائیلیان (ده سبط شمالی) به خدای یهوه اکتفا نکرده، از کنعانیان بعضی مسائل مذهبی را تقلید کردند، بی‌آنکه دست از ایمان به یهوه بردارند و در عین آنکه او را موثر در سرگذشت بشر دانسته‌اند، وی را راهنمای قوم در هنگام جنگ نیز می‌شمردند. پس با کنعانیان همقدم شده، مانند ایشان میوه‌های نوبر و گوسفندان و نوزاد خود را در مزارع خویش، به نیت قربانی، تقدیم خدای «بعل» و زوجه‌ی او «عشتاروت» کردند و آن قربانی‌ها را مانند ایشان طعمه‌ی حریق ساختند" (الیاده^۱، ۱۳۹۰، ص ۵۰۳). از دیرباز در میان اقوام سامی رسم بر این بود که به هنگام روی آوردن خطرات بزرگ فرمانروای قوم برای کنترل خشم خدایان و کسب رضایت آنان فرزند ذکور خود را قربانی کند. در میان عبرانیان فرزند نخست برای این امر اختصاص داشت، همچنان که میوه نوبر و نخست زاده حیوان نیز چنین جایگاهی داشتند. البته رسم پیشکش بصورت قربانی تنها محدود به بین‌النهرین و اقوام سامی نبوده است. این آیین قدمت هزاران ساله دارد و در فرهنگ‌های سراسر جهان رواج داشته است. در برخی فرهنگ‌ها حیوانات به عنوان قربانی‌های کوچکتر تقدیم خدایان می‌شدند، در حالی که در برخی دیگر این تلقی وجود داشت که انسان‌ها تنها موجودات زنده‌ای هستند که ارزش ارائه به قدرت برتر را دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در تمدن‌های باستانی دیگر نیز چنین رسم حیرت‌انگیزی وجود داشته که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

^۱ Eliade

هنگامی که اهالی کارتاژ^۱ مورد هجوم آگاتوکولز^۲ (ناحیه‌ای در جنوب شرقی سیسیل) قرار گرفتند و شکست خوردند، مصیبت‌های خود را به خشم بدل^۳ نسبت دادند و چاره کار را در قربانی فرزندان خود یافتند. اما بعدها سنت خود را تغییر دادند و فرزندان دیگران را خریداری و قربانی می‌کردند. "چنین بود که برای تسکین خشم و قهر خدایشان، دویست کودک از بهترین خانواده‌ها را می‌خریدند و در آتش می‌افکندند و قربانی راه وطن می‌کردند. در بین کارتاژی‌ها کسانی که فرزند نداشتند کودکانی را از خانواده‌های فقیر خریداری می‌کردند و همچون بره یا جوجه سلاخی می‌کردند. مادران این اطفال مجبور بودند بی صدا در گوشه‌ای بایستند و این صحنه‌ها را تماشا کنند چرا که اگر گریه و زاری می‌کردند اعتبار و حیثیت خود را از دست می‌دادند. محوطه‌ای که کودکان در آن سوزانده می‌شدند سرشار از بانگ پل‌هایی بود که صدای ضجه و فریاد کودکان را خفه می‌کرد" (Frazer, 1907, p. 166).

سلت‌ها، یکی از اقوام اروپایی بودند که برای خدایان و نیروهای ماورا قربانی‌های فراوان می‌کردند. این قربانی‌ها معمولاً در طی جشن‌های مقدس مذهبی با هدف کسب خیر و برکت از جانب خدایان برگزار می‌شد. در این جشن‌ها، زنان و مردان در برابر آفتاب به رقص پرداخته و شعله‌های آتش را با خود حمل می‌کردند و در نهایت به درگاه خدایان تقدیم می‌کردند. قربانی‌هایی که انتخاب می‌شدند، گاهی شامل زنان و کودکان خردسال و گاهی نیز اسرای جنگی یا متهمان می‌شد (ر.ک. ناس، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳).

در قرن‌های چهاردهم تا شانزدهم میلادی، آرتک‌ها در آمریکای شمالی آئین قربانی کودک را به‌طرزی بی‌رحمانه برگزار می‌کردند. اینکاها در آمریکای جنوبی نیز در همین زمان به قربانی کردن کودکان می‌پرداختند. این آئین به‌خصوص در پرو رواج فراوانی یافته بود. قبایل کیتو در دوران ماقبل اینکا، به قربانی کردن نخست‌زادگان خود اقدام می‌کردند. گفته می‌شود که در پرو، با تشکیل حکومت و به‌قدرت رسیدن هر اینکای جدید، تا هزار کودک قربانی می‌شد. قربانی کردن فرزندان در ضمن آئین‌های دیگر نیز اجرا می‌شد. بومیان اعتقاد داشتند که خدایان آرتک برای رونق و فراوانی محصولات، قربانی کردن کودک را ضروری می‌دانستند. تعداد قربانیانی که هر سال برای

^۱ Carthage

^۲ Agathocles

^۳ Baal

خدایان آرتک قربانی می‌شدند، غالباً بیشتر از تعداد افرادی بود که به مرگ طبیعی در سراسر مکزیک می‌مردند. این کشتار عظیم نتیجه منطقی ایمان عمیق به تاثیر این اقدام در سرنوشت آنها بود. آرتک‌ها هر چیز ارزشمند شامل خوراک، پوشاک، جواهرات، عطرها، گیاهان و محصولات نوپر را برای خدایان تقدیم می‌کردند. قربانی‌های حیوانی نیز به صورت گسترده‌ای انجام می‌شد، اما مقبول‌ترین قربانی‌ها همواره قربانی انسان بود (Smith, Homer, 1957, p. 133. Lippert, 1931, p. 449)

نمونه دیگر از اقوامی که به آیین قربانی انسان اقدام می‌کردند اتروسک‌ها بودند که در منطقه توسکان امروزی زندگی می‌کردند و با همسایگان خود از جمله کارتاژ و یونان روابط تجاری داشتند. در حفاری‌های اخیر آثار متعددی بدست آمده که رواج قربانی انسانی در میان آنها را تایید می‌کند. علاوه بر اجساد ی که در کنارشان ابزارهای آیینی دیده می‌شود، متونی باستانی که به توصیف عمل قربانی انسان پرداخته‌اند و آثار هنری متعددی که این عمل را به تصویر کشیده‌اند، در این منطقه یافت شده است (ancient-origins.net. 1401).

در قاره آمریکای باستان، قربانی کردن انسان بخشی ضروری از زندگی روزمره آنان به شمار می‌رفت. این آیین با هدف خشنود ساختن خدایان، تضمین موفقیت در نبردها و رونق کشاورزی انجام می‌شد. مایاها، که در آمریکای مرکزی زندگی می‌کردند، یکی از شگفت‌انگیزترین تمدن‌های این قاره بودند که مراسم قربانی انسانی را به عنوان تقدیم پیشکش به خدایان اجرا می‌کردند. بسیاری از محققان بر این باورند که مایاها اولین فرهنگ آمریکایی بودند که به قربانی کردن انسان مبادرت ورزیده‌اند. مایاها بر این باور بودند که خون، منبع تغذیه خدایان است و قربانی کردن موجود زنده یک پیشکش باارزش تلقی می‌شود. بدین ترتیب، فرد قربانی می‌بایست از نظر اجتماعی نیز دارای جایگاه برتری باشد. از این رو در میان زندانیان، اسرای جنگی در رده‌ی بالاتری نسبت به زندانیان معمولی قرار داشتند و به عنوان قربانی انتخاب می‌شدند.

آیین قربانی در فرهنگ مایاها به شیوه‌های مختلفی چون غرق کردن، سر بریدن و پرت کردن اره به سمت قربانی و ... اجرا می‌شد. با این حال، هولناک‌ترین روش، بیرون کشیدن قلب از سینه قربانی بود که این شیوه از طریق آرتک‌ها در دره‌ی مکزیک وارد فرهنگ مایاها شد. مراسم بیرون کشیدن قلب معمولاً در صحن معابد یا بر فراز قله کوه‌ها برگزار می‌شد و به عنوان یک افتخار بزرگ تلقی

می‌گردید. برای انجام این آیین، چهار نفر قربانی را بر روی تخته‌سنگی قرار می‌دادند و کاهن با استفاده از چاقویی مقدس، قلب او را در حالی که زنده بود، از سینه‌اش بیرون می‌کشید و به جمعیت اطراف نشان می‌داد. سپس، کاهن یا چیلان، خون قربانی را بر روی تصویر یکی از خدایان می‌مالید و قلب را به او پیشکش می‌کرد. در ادامه، کاهن پوست تمام قسمت‌های بدن قربانی را به جز دست‌ها و پاها می‌کند خود را با پوست قربانی می‌پوشاند. در پایان، چیلان رقصی آئینی را اجرا می‌کرد که نماد حیات پس از مرگ و تولد دوباره محسوب می‌شد (John Kuroski, 2017).

قربانی نخست زاده پیش از یهودیت

قربانی نخست‌زاده و سوزاندن آن به عنوان قربانی سوختنی از رسوم بسیار قدیمی است که بنابر روایات کتاب مقدس در میان بنی اسرائیل نیز رواج داشته است. در سفر خروج ۲۲:۱۳ خداوند به بنی اسرائیل دستور می‌دهد که هر نخست‌زاده‌ای که رحم را بگشاید در میان بنی اسرائیل، خواه نخست‌زاده‌ی انسان باشد و خواه از بهایم، آن را تقدیس نما، چون از آن خداوند است. معنای این درخواست خدای کتاب مقدس که همه‌ی نخست‌زادگان از آن من هستند، چیست؟ آیا یهوه از بنی اسرائیل می‌خواهد نخست‌زادگان را برای او قربانی کنند؟

در این خصوص در میان محققین اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند این آیین در زمره شعائر مذهبی اسرائیلیان قبل از تبعید بوده و کودکان در پرستش یهوه قربانی می‌شده‌اند. اما گروهی دیگر رسم قربانی نخست‌زاده را مربوط به یک آیین بیگانه از جمله پرستش خدای مولک معرفی می‌کنند که از جوامع دیگر بویژه از کارتاژ وارد یهودیت شده و یهوه آن را رد کرده است. البته قربانی فرزند در میان کارتاژی‌ها مختص فرزند نخست نبوده و با ورود به اسرائیل و یهودیه باستان تحولاتی یافته است (Mosca, 1975, p. 235-238).

مولک^۱ در کتاب مقدس به عنوان خدایی معرفی شده، که قربانی فرزند برای او انجام می‌شده است. در جاهای متعددی از عهد عتیق یهوه، قربانی کردن برای خدای مولک را منع کرده و هشدارهایی را علیه بنی اسرائیل بیان می‌کند: «هیچ یک از فرزندان را برای بت مولک بر قربانگاه او نسوزان، چون این عمل، نام خداوند، خدای تو را بی‌حرمت می‌سازد» (لاویان ۲۱: ۱۸). همچنین در باب ۲۰

^۱ Molech

فقره‌ی ۶-۲ سفر لاویان خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که هر کسی چه اسرائیلی باشد چه بیگانه‌ای که در بین آنها زندگی می‌کند، اگر فرزندان خود را برای بت مولک قربانی کند باید سنگسار شود. من خود بر او برمی‌خیزم و از بین قوم طردش می‌کنم، زیرا فرزندان خود را برای بت مولک قربانی کرده و با این کار معبد مرا آلوده و نام مقدس مرا بی‌حرمت نموده است.» «قربانگاه‌هایی برای بت بل در دره‌ی هنوم ساخته اند تا پسران و دختران خود را در حضور بت مولک قربانی کنند، من چنین دستوری به آنها نداده‌ام» (لاویان ۳۵:۳۲). بنابراین براساس کتاب مقدس عبری آئین مولک مستقیماً با قربانی فرزند ارتباط داشت و قربانی فرزند برای بت مولک انجام می‌شد.

اگرچه ریشه‌های قربانی‌های نخست‌زاده در آیین‌های اولیه دین اسرائیل به چشم می‌خورد و قوانین مربوط به نخست‌زادگان با ابتدایی‌ترین شکل آن در سفر خروج ۳۴:۲۰ و ۲۹:۲۸ آمده، اما شواهدی برای این عمل در دوره تاریخی آیین یهوه وجود ندارد. به طور خاص، قربانی‌های کودکان در این دوران معمولاً به عنوان نذر یا پیشکشی برای مولک انجام می‌شد که ارتباطی با پرستش یهوه نداشت و اگر شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد قبل از اصلاحات تثبیه افرادی برای یهوه قربانی شده اند، این امر به دلیل نفوذ و ورود عناصر و عقاید خارج به جامعه اسرائیل بوده است. ضمن اینکه قربانی کودکان هرگز در میان بنی‌اسرائیل به صورت معمول رسم نبوده بلکه آنها فقط در مواقع بحرانی اقدام به برگزاری این آیین می‌کردند. در چنین مواقعی، فرمانروای شهر، برای نجات قوم پسرش را به عنوان کفاره قربانی می‌کرد. بعنوان مثال؛ کروئوس فرمانروای فینیقی و فرمانروای موآب نخست‌زادگان خود را هنگامی که کشورشان در معرض خطر حمله‌ی دشمنان بود طی مراسمی در محراب قربانی کردند. ضمن اینکه، رسم قربانی فرزند در میان اقوام سامی تنها مختص فرزندان شاهان نبود، بلکه در میان خود مردم نیز رسم بود که هنگام بروز بلایای بزرگ مانند شیوع طاعون، قحطی یا شکست در جنگ، یکی از عزیزان خود را برای بلع قربانی کنند. شواهد تاریخی حاکی از آن است که این آیین در میان کارتاژی‌ها، کنعانی‌ها و فلسطینی‌ها نیز رواج داشته و نویسندگان عهد عتیق آن را نفرت‌انگیز خوانده و به هم‌وطنان خود درباره آن هشدار داده‌اند. این هشدارها، هرچند که در دوران قدیم تاریخ اسرائیل مؤثر بوده، اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بعدها قوم عبری نیز در دام چنین خرافاتی افتاده بودند و برگزیدگان قوم همواره می‌کوشیده‌اند تا آنها را از این موارد بازدارند.

قربانی در عهد عتیق

در دین یهود، عمل قربانی به معنای تقدیم پیشکشی ارزشمند به یهوه با هدف شکرگزاری و کسب رضایت خداوند دانسته می شود. «در یهودیت واژه‌ی «کربان»^۱ برای قربانی به کار برده می شود. معنای اصلی این کلمه تقرب به خداوند و از ریشه‌ی «کاراو»^۲ به معنی نزدیک شدن است» (آقایی، ۱۳۹۱، ص ۵۴)

اهمیت قربانی در دین یهود تا بدانجا است که بخش زیادی از شریعت مکتوب و شفاهی به احکام قربانی اختصاص یافته است. هدف از انجام قربانی در اینجا عبارتست از: بخشش، جایگزینی و تقرب. مفهوم بخشش به طور ضمنی میباید استرداد چیزی است که عبادت کننده مالک آن است و آن را به عنوان هدیه به درگاه خالق خود پیشکش می کند. طبق این مفهوم، «یکی ممکن است زیاد ببخشد و دیگری کم. این بسته به آن است که قلب او تا چه اندازه به آسمان رو کرده باشد.» از آنجا که کیفیت قربانی مدنظر نیست و تلاش شخص قربانی کننده مورد عنایت است، چه بسا قربانی کوچک انسان فقیر، بیشتر از قربانی بزرگ شخص ثروتمند ارزش داشته باشد. مفهوم بنیادین دیگر، «جایگزینی» است؛ یعنی قربانی، در عوض قربانی نشدن خود فرد داده می شود. زیرا گناهکار به خاطر گناهانش سزاوار مردن بوده، اما تورات فرصت تقدیم قربانی را به او عطا کرده است؛ مشروط به آن که دریابد که این قربانی در عوض قربانی شدن خود اوست و آنچه بر سر این قربانی آمده، می بایست بر سر او می آمد. این رویکرد در میدراش ها به جایگزین شدن یک قوچ به جای اسحاق در قربانگاه اشاره دارد. حکیمان تلمودی اغلب تاکید می کنند که قربانی نه به تنهایی، بلکه اگر با توبه همراه باشد می تواند کفاره گناهان باشد. چه این (توبه) در قبال گناهان علیه خداوند از طریق ابراز پشیمانی و انجام سوگند بر پرهیز از ارتکاب مجدد گناه باشد، و چه (از طریق) پرداخت تاوان، در صورتی که گناه انجام شده علیه هم نوعان باشد. بدینصورت اگر توبه با شرایط یاد شده و قربانی بر اساس شریعت مقدس انجام می گرفت، می شد امیدوار بود که قربانی به عنوان کفاره‌ی گناه پذیرفته گردد. ریختن خون قربانی در قربانگاه و خوردن گوشت قربانی در حکم هم سفره شدن با خدا در تناول قربانی است. در این صورت قربانی کننده با خدا پیوندی عاطفی برقرار می کند؛

^۱ korban

^۲ karav

چنان که گویی با او یکی شده است. کاهنان یا اشخاص دیگری که قربانی را تقدیم می‌دارند، در عمل تناول نمادین مشارکت می‌جویند» (آدین اشتاین سالتز^۱، ۱۳۹۳، ص ۲۵۸-۲۵۹)

در کتاب مقدس نخستین تقدیم قربانی به خدا مربوط به فرزندان آدم است و هابیل اولین کسی است که از گله‌ی خویش برای یهوه قربانی می‌کند. «پس از مدتی قائن (قابیل) مقداری از محصول خود را به عنوان هدیه نزد یهوه (خداوند) آورد. هابیل نیز نخستین بره از گله خویش را آورد و قربانی کرد و بهترین قسمت آن را به عنوان هدیه به یهوه تقدیم نمود. خداوند از هابیل و قابیل خشنود گشت» (پیدایش ۴-۳: ۴).

دومین تقدیم قربانی در کتاب مقدس، مربوط به نوح است. پس از طوفان، نوح نیز برای آرامش یهوه از حیوانات پاک قربانی‌هایی تقدیم می‌کند. «نوح قربانگاهی برای خداوند بنا کرد و از هر پرنده و هر حیوان پاک، یکی را بعنوان قربانی سوختنی بر قربانگاه گذرانید. وقتی بوی خوش قربانی به پیشگاه یهوه رسید، یهوه با خود عهد می‌کند که دیگر زمین را به خاطر گناهان انسان لعنت نخواهد کرد» (پیدایش ۲۲-۲۰: ۸).

سومین جریان قربانی که در عهد عتیق آمده است، قربانی فرزند ابراهیم است. یهوه به ابراهیم دستور می‌دهد تا فرزندش «اسحاق» را قربانی کند، ابراهیم با قصد قربانی اسحاق وابستگی قوم خود را به یهوه تثبیت می‌کند. هنگامی که یهوه اطاعت ابراهیم را می‌بیند قوچی را برای قربانی به جای اسحاق می‌فرستد. (پیدایش ۱۴-۱).

در سفر خروج نیز نخستین قربانی بنی اسرائیل در قیام موسی بر علیه فرعون و حرکت قوم اسرائیل از مصر دیده می‌شود. موسی از طرف یهوه مامور شد تا بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهد. در سفر خروج ۳: ۹ چنین آمده است: «من فریاد قوم خود را شنیده‌ام و می‌دانم که چگونه مصری‌ها به آنها ظلم می‌کنند. حالا بیا تو را نزد فرعون بفرستم تا تو قوم من، بنی اسرائیل را از این سرزمین بیرون بیاوری». فرعون مانع نجات قوم شد پس یهوه بلاهای مختلفی از جمله: تبدیل آب به خون، قورباغه، پشه، مگس، مرگ حیوانات، دمل، تگرگ، ملخ و تاریکی را بر مصریان فرستاد اما باز هم فرعون اجازه خروج از مصر را به بنی اسرائیل نداد تا اینکه یهوه بلای نهایی یعنی مرگ نخست‌زادگان را نازل کرد. خداوند به موسی فرمود: «تمام نخست‌زاده‌های مصری چه انسان و چه حیوان همه را

^۱ Steinsaltz, Adin

می کشم، مگر نخست زادگان بنی اسرائیل. پس به آنان بگو گوسفندی را بکشند و خون آن را به چارچوب در پاشند. خونی که بر دو طرف چارچوب و بر سردر خانه‌ی شما پاشیده شده است، نشانه‌ای است که شما در آنجا زندگی می کنید و چون آن نشانه را ببینم از آن عبور می کنم و وقتی که مصریان را هلاک می کنم به شما هیچ آسیبی نخواهد رسید» (خروج ۱۲-۱۴: ۱۲).

نخست زادگی و قربانی در عهد عتیق

نخست زادگی در تعالیم یهودیت یک موضوع بسیار مهم است. در قاموس کتاب مقدس در مورد نخست زادگی چنین آمده است: «نخست زادگان را بر سایر برادران امتیازات بسیار بود. مثلاً در صورت استحقاق امتیازات در قسمت اموال بر سایرین تفوق داشته، دو بخش می بایست برد... و نخست زادگان پادشاهان اسرائیلیانند و بعد از پدر خود بر اریکه‌ی شهریاری نشینند» (هاکس، ۱۳۸۳ ص. ۸۷۷). در ادامه گفته می شود که «قوم یهود را عادت این بود که هر نخست زاده‌ی مذکر را برای خدمت خداوند تقدیس می نمودند و این مطلب تذکره‌ای بود از کشتاری که خداوند بر نخست زادگان مصر وارد آورد و اسرائیلیان را به سلامت نگاه داشت» (همان ص ۸۷۸).

در مورد اهمیت و ارزش و قربانی نخست زاده در کتاب مقدس اشارات متعددی وجود دارد. در سفر خروج، باب ۱۳، فقره دوم چنین آمده است: «تمام نخست زاده‌های مذکر را برای من وقف کن. زیرا هر نخست زاده‌ی مذکری که در میان بنی اسرائیل متولد شود، چه انسان و چه حیوان، از آن من است». همچنین در خروج ۱۵-۱۲ آمده است که پسران ارشد و نخست زاده حیوانات و نوبر میوه‌ها از آن خداوند می باشد. یا در جایی دیگر خداوند به موسی فرمود: «تمام نخست زادگان از آن من هستند، هنگامی که من تمام نخست زادگان را در مصر نابود کردم، نخست زادگان اسرائیل را چه انسان و چه حیوان برای خود تقدیس کردم، آنها به من تعلق خواهند داشت، من خداوند هستم» (اعداد ۳: ۱۳). در ده‌ها آیات دیگر اهمیت نخست زادگی بیان شده است.

در سفر خروج و در بحث بلایایی که به مصریان وارد شد، سخن از نخست زادگی می رود. در بلای دهم که منجر به مرگ فرزندان نخست مصریان شد، خداوند از آسیب زدن به نخست زادگان بنی اسرائیل چشم پوشی کرد. در نیمه‌های شب خداوند تمام نخست زاده‌های مصری، از نخست زاده‌ی فرعون که بر تخت نشسته بود گرفته تا نخست زاده‌ی اسیری که در زندان بود و همچنین نخست زاده‌ی حیوانات را نیز کشت. در آن شب فرعون و درباریان و همه‌ی مصری‌ها بیدار شدند و

گریه و زاری و شیون عظیمی در مصر برپا شد، زیرا خانه‌ای نبود که پسر مرده‌ای در آن نباشد. در همان شب فرعون، موسی و هارون را به حضور طلبید و به آنها گفت: «از سرزمین من بیرون بروید. شما و تمامی قوم اسرائیل از کشور من خارج شوید و همان‌طور که می‌خواستید خداوند خود را پرستش کنید. چنان‌که گفتید گله‌ها و رمه‌های خود را بردارید و بروید. به جهت برکت من هم دعا کنید» (خروج ۳۷-۲۹: ۱۲). این لطف الهی در تورات با کلمه «فصح» به معنی گذر کردن، رحم نمودن و جستن بیان شده است. در جریان فرزندان اسحاق نیز اهمیت نخست‌زادگی از آنجا روشن می‌شود که عیسو حق نخست‌زادگی خود را به برادرش یعقوب می‌فروشد.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که: اگر نخست‌زاده قربانی می‌شد، دریافت‌کننده‌ی آن چه کسی بود؟ یهوه درخواست نخست‌زاده دارد و می‌گوید متعلق به اوست. آیا این بدان معناست که یهوه نخست‌زاده را به عنوان قربانی می‌پذیرفت؟ یا قربانی نخست‌زاده برگرفته از قربانی‌های مولک بود که قبلاً مطرح شد؟

قربانی کردن کودکان عملی بود که مردم برای پرستش خدای خود انجام می‌دادند و به‌وضوح بخشی از نظام دینی آن‌ها به شمار می‌رفت. در متون کتاب مقدس عبری نیز ارجاعاتی وجود دارد که این فهم را تأیید می‌کند. به عنوان مثال، در میکا ۶: ۶ آمده است: «با چه چیز به حضور خداوند بیایم و در برابر خدای متعال تعظیم کنیم؟ آیا با قربانی‌های سوختنی و گوساله‌های یک‌ساله به حضور او بیایم؟ آیا خداوند از هزاران قوچ و ده‌هزار رودخانه روغن‌زیتون خشنود خواهد شد؟ اگر نخست‌زاده‌ام را برای کفاره گناه خود قربانی کنم، آیا گناه مرا می‌بخشد؟»

در حزقیال ۲۶-۲۴: ۲۰ می‌خوانیم: «زیرا آنها احکام من را بجا نیاورده‌اند، قوانین مرا رد کرده‌اند، روز سبت من را بی‌حرمت کرده‌اند، و به بت‌های اجداد خود چشم دوخته‌اند. پس من هم به آنها احکام و قوانین دیگری دادم که خوب و حیات‌بخش نبودند. ایشان را گذاشتم که با قربانی کردن فرزند اول خود برای بت‌ها، خود را آلوده سازند و به این ترتیب ایشان را جزا بدهم و بدانند که من خداوند هستم».

همچنین در کتاب مقدس روایت‌هایی در خصوص برگزاری آیین قربانی فرزند وجود دارد که از جمله آنها داستان قربانی فرزند توسط یفتاح قاضی اسرائیلی است. یفتاح در جنگ با آمونیت‌ها عهد می‌کند که اگر بر دشمن چیره شود در بازگشت به خانه یک از اعضای خانواده را که ابتدا با او مواجه شود برای خداوند قربانی خواهد کرد» (داوران ۳۲: ۳۰). او پس از پیروزی و بازگشت به خانه

برای وفای به عهد خود تنها دخترش را که به استقبال او آمده بود، به یهوه تقدیم کرد. روایت دیگر مربوط به ابراهیم است که به دستور یهوه محرابی می‌سازد تا فرزند ارشد خود اسحاق را در آن محراب برای یهوه قربانی کند. همچنین در خروج ۱۳:۲ به موسی دستور داده می‌شود که نخست‌زادگان اسرائیلی، چه انسان و چه حیوان، باید برای یهوه وقف شوند. وجود این روایات در عهد عتیق این دیدگاه را قوت بخشیده که قربانی نخست‌زادگان مربوط به آیین یهود قبل از تبعید بوده و پس از تبعید ممنوع گردیده است. (Wendel, 1927, P. 153-155, Frazer, 1907, p. 166). (Ackerman, 1992, pp. 121-129, 167)

علاوه بر این، جنبه‌های جالب دیگری در رابطه با اصلاحات یوشیا وجود دارد. در کتاب دوم پادشاهان ۱۰:۲۳ آمده است: «یوشیای پادشاه، به پرستشگاه توفت که در دره بن‌هنوم بود، بی‌حرمتی کرد؛ بدین ترتیب، هیچ‌کس نمی‌توانست از آن مکان برای قربانی کردن پسر یا دختر خود به‌عنوان قربانی برای مولک استفاده کند.» هدف اصلی از بین بردن توفت در دره بن‌هنوم، جلوگیری از قربانی کردن فرزندان توسط مردم بود. در اینجا سخن از مردمی خارجی نیست، بلکه مردم کتاب مقدس عبری مورد اشاره‌اند. این بدان معناست که حتی در زمان یوشیا، قربانی کردن فرزندان یک عمل بسیار رایج در میان مردم بود.

این آیه همچنین نشان می‌دهد که نه تنها پسران، بلکه دختران نیز قربانی می‌شدند. به‌علاوه، ارتباط بین قربانی فرزندان و تقاضای مخصوص برای تقدیم نخست‌زادگان وجود دارد. به‌عبارت دیگر، قربانی کردن فرزند تحت تأثیر عوامل دیگری قرار دارد که در متون به‌وضوح توضیح داده نشده‌اند. اصلاحات یوشیا در هجدهمین سال سلطنت او انجام شد. آیا این به این معناست که مردم در هجده سال اول سلطنت یوشیا فرزندی را به‌عنوان نمادی از پرستش قابل قبول به خدای خود تقدیم می‌کردند؟ آیا آن‌ها هرگز در این مورد احساس گناه نمی‌کردند؟

مطالعه اصلاحات یوشیا نشان می‌دهد که در آن زمان، پرستش «خدا و الهه‌های دیگر» در معبد و مکان‌های مختلف در میان مردم رایج بوده است و این تا زمانی که شریعت موسی خوانده نشده بود. این همچنین نشان می‌دهد که حتی یوشیای پادشاه، نیز تا زمان خواندن شریعت از ناپسند بودن قربانی کردن کودکان برای خدای خود بی‌خبر بود. این موضوع سؤالات زیادی را درباره اعتقادات و اعمال مردم تا زمان اصلاحات یوشیا به وجود می‌آورد. اگر حتی پادشاه از شریعت خداوند و خواسته‌ها و محدودیت‌های آن آگاه نبوده است، چگونه می‌توان انتظار داشت که مردم عادی از آن

آگاهی داشته باشند؟ بعد از خواندن شریعت، آن‌ها به الزامات آن پی بردند و همان‌طور که در کتاب دوم پادشاهان ۲۳ می‌بینیم، توفت از دره بن‌هنوم و مکان‌های دیگر حذف شد. بر اساس متن کتاب مقدس، حتی عبادت در معبد نیز دارای ماهیتی شرک‌آمیز و ترکیبی بود و یوشیا تلاش کرد تا در این زمینه بر توحید تأکید کند. برای حل این مسائل، راه‌حل‌های متعددی ارائه شده است. برخی از محققان بر این باورند که این موارد ناشی از خطاهای نویسنده‌گی است و ممکن است هنگام کپی کردن نسخه‌های خطی اشتباهاتی رخ داده باشد. با این حال، این موضوع فراتر از اشتباهات نوشتاری است، زیرا این مسئله نه تنها در یک جا بلکه در کل متن قابل مشاهده است. بنابراین، نمی‌توان آن را صرفاً به خطاهای نگارشی نسبت داد.

بررسی متون حزقیال 20:25-26 و ارمیای ۳۱:۷، نیز ما را به این نتیجه می‌رساند که برخی از بنی‌اسرائیل پیش از تبعید به قربانی کردن فرزندان خود برای یهوه اقدام کرده‌اند. در حزقیال می‌خوانیم: «پس من نیز احکام و قوانینی به ایشان دادم که نه خوب بودند و نه حیات‌بخش، ایشان را گذاشتم که با قربانی کردن فرزندان نخست‌زاده خود برای بت‌ها، خود را آلوده سازند تا بدین ترتیب ایشان را جزا بدهم و بدانند که من خداوند هستم». تحلیل آیات حزقیال نشان می‌دهد که عبارت "قوانین بد" به مواردی اشاره دارد که در آن حزقیال مخاطبان خود را به رد و نادیده گرفتن احکام محکوم می‌کند. این الزامات به نوعی بیانگر اجازه‌ای است که خداوند به مردم داده تا از قوانین نادرست دیگران پیروی کنند، که به‌طور غیرمستقیم شامل قربانی کردن کودکان می‌شود. همچنین در کتاب ارمیا باز هم با مخالفت یهوه با این عمل مواجه هستیم: «در دره‌ی هنوم قربانگاهی به نام توفت ساخته‌اند؛ تا در آنجا پسران و دختران خود را در آتش قربانی کنند. من به آنها چنین حکمی نداده بودم و چنین چیزی به فکر من خطور نکرده بود».

این ادعا که تمامی پسران نخست‌زاده بنی‌اسرائیل قربانی می‌شده‌اند، عمدتاً دور از ذهن به نظر می‌رسد. با این حال، به نظر می‌رسد که در باورهای باستانی، نوعی اعتقاد به درخواست خداوند برای قربانی فرزند وجود داشته است. به علاوه، نخست‌زاده‌ها به عنوان مقدس‌ترین افراد شناخته می‌شدند، زیرا خون آنها به عنوان خالص‌ترین و قوی‌ترین خون سلاله محسوب می‌شد. اهمیت این ادعا در آخرین گفتار یعقوب به پسرانش در سفر پیدایش ۳:۴۹ دیده می‌شود: «رتوبین، پسر بزرگ من، تو قدرت من و نخستین ثمر دوران شجاعت من هستی. تو از همه‌ی پسران من سرافرازتر و برجسته‌تر هستی». این سخن، خاص بودن نخست‌زاده را نشان می‌دهد.

برخی از پژوهشگران به عدم وجود شرط بازخرید نخست‌زاده در این آیات اشاره کرده و این موضوع را نشان‌دهنده نادر بودن این رسم در میان بنی اسرائیل می‌دانند. به عنوان مثال، در سفر خروج 22:28-29، شرط بازخرید دیده نمی‌شود و این نشان می‌دهد که قربانی کردن نخستین فرزند انسان هرگز به عنوان یک رسم رایج تلقی نشده است. برخی دیگر این آیات را به عنوان نوعی وقف کودکان به یهوه برای خدمت در معبد تفسیر می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که در دوره‌های اولیه، موارد نادری از قربانی کردن نخست‌زاده وجود داشته است، اما این عمل تنها در مدت کوتاهی قبل از تبعید شیوع بیشتری پیدا کرده است. آنان بر این باورند که علیرغم وجود قربانی نخست‌زاده، مدرکی مبنی بر وجود یک رویه منظم برای آن در میان بنی اسرائیل باستان یافت نمی‌شود. بنابراین، با وجود اینکه قربانی نخست‌زاده ممکن است در برخی موارد صورت گرفته باشد، اما به نظر می‌رسد که این عمل به صورت گسترده و منظم انجام نمی‌شده است.

Smith, w. Robertson, 1889, p. 448, Wellhausen, 1885, P. 87, R.Smend, 1989, P. (28, Blome, 1934, PP.388-396

به نظر می‌رسد حدس این محققان درست باشد که شرط بازخرید نخست‌زاده پس از تبعید به قانون قربانی نخست‌زاده اضافه شده باشد. اگر به لاویان ۲۷:۲۸ توجه کنیم در می‌یابیم که وقف یهوه قابل بازخرید نیست. «هرگز چیزی را که کاملاً وقف خداوند شده باشد، نمی‌توان بازخرید کرد؛ خواه انسان، حیوان و یا زمین باشد. چون آن‌ها همیشه به خداوند تعلق دارند. کسی که محکوم به مرگ شده باشد، نمی‌تواند خود را بازخرید نماید و باید کشته شود» در سفر خروج ۱۳:۲ نیز دیدیم که بدون آن‌که از بازخرید سخنی گفته شود آمده است که تمام نخست‌زادگان متعلق به یهوه هستند.

بر اساس شواهد باستان‌شناسی از مناطق گزر و مگیدو و همچنین متون کتاب مقدس، نظیر نذر یفتاح و قربانی میشا، به این نتیجه می‌رسیم که قربانی کردن کودکان در گذشته‌های دور در این منطقه به‌طور معمول انجام می‌شده است. طبق تحلیل‌ها، قانون مربوط به نخست‌زاده‌ها در شکل اولیه خود وجود داشته و مفهوم بازخرید بعدها به آن افزوده شده است. در قانون اولیه، نخست‌زاده‌ها به عنوان بخشی از مناسک مذهبی مردم قربانی می‌شدند. علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهد که در قرن چهاردهم پیش از میلاد، یهوه در یک مقطعی از زمان قربانی کردن کودکان را پذیرفته و این عمل بخشی از نظام دینی اسرائیل در دوره‌های اولیه محسوب می‌شد. نکته‌ای که در این بررسی‌ها برجسته می‌شود، وجود شباهت‌ها و عناصر مشترک در نحوه قربانی کردن کودکان در گزر و کنعان است.

با توجه به مطالب موجود در سفر پیدایش ۲۲، تقدیم نخست‌زاده در اصل یک رسم کنعانی بود و مفهوم بازخريد نیز از همان روزهای نخستین، در میان کنعانیان وجود داشته و سپس به بنی‌اسرائیل منتقل شده است. تقدیم نخست‌زادگان، به‌خوبی نشان‌دهنده ربوبیت و مالکیت یهوه بر تمامی دارایی‌های مردم است. در نتیجه، مفهوم بازخريد پيش از آنکه به‌عنوان یک عمل از سوی بنی‌اسرائیل اعمال شود، وجود داشته و بنابراین چیزی نیست که آنها آن را به قربانی نخست‌زاده نسبت دهند و بنی‌اسرائیل با پذیرش مفهوم بازخريد در دوره‌های بعد، این عمل را کنار گذاشته‌اند. R. Kittel, (Dussaud, 1921, P. 167, 1909, P. 119, Fohrer, 1973, pp. 197-198)

ارزیابی علمی قربانی نخست‌زاده

مسئله کلیدی در مورد نخست‌زادگان این است که آیا آنها در میان بنی‌اسرائیل قربانی شده‌اند یا خیر؟

متون دشوار و چالش برانگیزی در این زمینه وجود دارد: در سفر خروج ۲۹-۲۸: ۲۲ آمده است: «نخست‌زاده‌هایتان را که پسر هستند برای من وقف نمایید. نخست‌زاده‌ی گاو و گوسفند خود را به من بدهید، اولین نخست‌زاده نر را هفت روز نزد مادرش نگه دارید و در روز هشتم آن را به من تقدیم کنید». حزقیال ۲۶: ۲۰ «ایشان را گذاشتم که با قربانی کردن فرزند اول خود برای بت‌ها، خود را آلوده سازند و به این ترتیب ایشان را جزا بدهم تا بدانند که من خداوند هستم». و میکا ۶: ۷ «اگر هزاران قوچ و ده‌ها هزار نهر لبریز از روغن زیتون را هدیه کنم، آیا از من خشنود خواهد شد؟ اگر نخست‌زاده‌ی خود را برای کفاره‌ی گناه خود قربانی کنم، آیا گناه مرا می‌بخشد؟» به نظر می‌رسد این آیات به وضوح نشان می‌دهند که در دوره‌ای از تاریخ، نخست‌زادگان در میان بنی‌اسرائیل قربانی می‌شدند. با این حال، در اینجا میزان رواج و محبوبیت این قربانی مورد تردید است. اجماع محققان در این زمینه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. نخست‌زادگان در دوره‌ای از تاریخ اسرائیل قربانی می‌شدند، اما بعداً بازخريد جایگزین آن شد.
 ۲. نخست‌زاده‌ها فقط در موارد استثنایی قربانی می‌شدند و جایگزین در دسترس بود.
 ۳. نخست‌زادگان هرگز قربانی نشده‌اند و بازخريد از دورانی کهن تر وجود داشت.
- با توجه به متونی که از کتاب مقدس عبری در دسترس ماست، به نظر می‌رسد که رای دوم قابل قبول‌ترین دیدگاه است. همان‌طور که برخی از محققان گفتند جامعه‌ای که در آن همه

نخست‌زادگان همیشه قربانی شوند، موجودیت و بقای آن زیر سوال می‌رود. با این حال، اگر موضع سوم مبنی بر اینکه نخست‌زادگان هرگز قربانی نشده‌اند، را بپذیریم، حقایقی که به وضوح در متن عبری ذکر شده است، باطل می‌شود. به احتمال زیاد، نخست‌زاده‌ها، بجز در شرایط استثنایی باز خرید شده‌اند.

وجود انواع نسخه‌ها یا قوانین به مردم حق انتخاب بیشتری برای انجام آئین‌های متفاوت می‌دهد. بدیهی است هنگامی که یک خواننده در عصر حاضر سعی کند همه متون مرتبط را بخواند و درک یکسان و واحدی را بر آنها حمل کند، دچار سردرگمی شود. به این ترتیب می‌توان گفت که مردمی که در عهد عتیق درباره آنها صحبت می‌شود حداقل پنج تلقی یا برداشت از قانون نخست‌زاده داشته‌اند:

۱. نخست‌زاده‌ها متعلق به یهوه هستند و برگرداندن آن‌ها به صاحبشان واجب است.
۲. نخست‌زاده‌ها بسیار خاص هستند و بنابراین فقط در موقعیت‌های خاص برای رهایی از بحران یا خطر (مانند داستان یفتاح، میشا و...) تقدیم می‌شوند.
۳. نخست‌زادگان برای آمرزش و بخشش گناه نابخشودنی که والدین یا جامعه مرتکب شده‌اند، باید قربانی شوند (همان‌طور که در میکا ۶:۷ می‌بینیم).
۴. یهوه نخست‌زاده را می‌طلبد و بنابراین لازم است که برای خشنود کردنش به او تقدیم شود. تقدیم نخست‌زاده بخشی از پرستش یهوه است و بر این اساس برخی نخست‌زادگان خود را قربانی کرده‌اند.
۵. نخست‌زادگان در پرستش خدایان دیگری چون بعل و مولک قربانی شده‌اند (ارمیا ۱۹:۵؛ ۳۲:۳۵).

آنچه تا بدین جا معلوم شده این است که در مقطعی از تاریخ، قربانی نخست‌زاده در میان بنی‌اسرائیل، اجرا می‌شده است. هر چند برای ذهن مخاطب مدرن، مفهوم قربانی کردن کودک برای خدایی که تقاضای قربانی کردن کودک را دارد قابل قبول نباشد. با این حال، ما باید ذهن مردم باستان و مفهوم قربانی کودک را درک کنیم. بسیاری از والدین فرزندان خود را قربانی خدای خود می‌کردند و قربانی به عنوان عالی‌ترین شکل عبادت تلقی می‌شد. تقدیم بهترین‌ها و محبوب‌ترین‌ها به خدا عملی رایج در دنیای باستان بود. خواندن متون کهن و تلاش برای درک و تفسیر آنها بر اساس تفکر مدرن درک درستی از عقاید و اعمال آنها به ما نمی‌دهد. ما باید ببینیم که مخاطبان باستانی متن کتاب

مقدس، چگونه آن را درک می کردند و نباید آن را در زمینه مدرن به کار ببریم که منجر به طرد و محکومیت آنان شود.

قصد ابراهیم برای قربانی کردن اسحاق به درخواست خدا برای ما بهت آور است. ابراهیم بدون هیچ تعللی آنچه از او خواسته شده است، انجام می دهد و این نشان دهنده آمادگی و تمایل بی چون و چرای او برای اطاعت از خداوند است. او با شجاعت و بدون تردید، فرزندش را به محل قربانی می برد و لوازم مورد نیاز برای قربانی را آماده می کند. اطاعت و فرمان پذیری ابراهیم برای او برکت می آورد، در حالی که نافرمانی موجب عذاب و نکوهش می شود؛ این آموزه ای رایج در ادبیات کتاب مقدس عبری است. در این متن، نویسنده به این نکته اشاره می کند که چگونه ابراهیم به خواسته ی خدای خود در فرستادن پسر دیگرش، اسماعیل، به صحرا اطاعت می کند. اینجا نیز جایی بود که امیدی به زنده ماندن نبود. ابراهیم اطاعت می کند و معبودش از او محافظت می کند و او را به قوم بزرگی تبدیل می کند. قربانی کردن اسحاق هدف و برنامه خدا نبود. در واقع، راوی محبت خدا را نسبت به قوم خود نمایان می کند، هر چند که ایشان باید از آزمایش ها و مصیبت ها گذر کنند. در قسمت بعدی این داستان، خداوند قوچی را به جای قربانی قرار می دهد که این خود نماد رحمت و محبت الهی است.

نویسنده کتاب مقدس در این بخش سعی دارد خوانندگان خود را متقاعد کند که قربانی کردن فرزند، چیزی نیست که خدای آن ها می خواهد. هر چند تقاضای قربانی نخست زادگان از قبل وجود داشته است، اما ابراهیم، به عنوان پدر امت، از قربانی کردن پسر محبوبش، اسحاق، منع می شود. در این بین، به نظر می رسد نویسنده با گروهی از مردم درمانده صحبت می کند که از خدای خود خسته و ناامید شده اند. هدف نویسنده این است که با بهره گیری از داستان ابراهیم، مردم را تشویق کند تا رابطه خود را با خدا احیا کنند و از قربانی کردن فرزندان خود دست بکشند.

کسانی که اقدام به قربانی فرزند می کردند این عمل عبادی را برای پرستش خدای خود انجام می دادند، زیرا فکر می کردند که این همان چیزی است که خدا از آنها می خواهد و تنها راه دریافت برکت او این بود که آنچه را که خواسته است به او بدهند پس به طرق مختلف فرزندان خود را قربانی می کردند و داستان آزمایش ابراهیم، به گونه ای ارائه می شود تا با الگوپذیری از او، آنها را تشویق به توقف این عمل کنند و از آن به عنوان وسیله ای برای شناخت اطاعت ابراهیم استفاده می شود. ابراهیم بر اساس خواسته های خدا عمل می کند و حاضر است اسحاق را به عنوان قربانی

تقديم کند. اين موضوع بار ديگر اين تصور را تأييد مي کند که قرباني کودک در ميان مردم شناخته شده بوده؛ چراکه ابراهيم بدون هيچ سؤال و ترديدی بدان عمل مي کند. اين يک پيام اساسی برای مخاطبان است که از خدای خود پيروي کنيد و در همه ی امور به طور کامل از او اطاعت کنيد. اما نقل ماجرای قرباني فرزند توسط ابراهيم در عهد عتيق علاوه بر بحث اطاعت پذيري برای اين است که قرباني فرزند به نام خدا در ميان قوم اسرائيل را از بين ببرد. نويسنده در تلاش است تا مردم را متقاعد کند که ديگر نيازی به قرباني کودک نيست و نبايد به شيوه های اجدادشان يا ساکنان ملل ديگر عمل کنند. خداوند به طور خاص پدر بنيانگذار قوم خود، ابراهيم را به عنوان الگو انتخاب مي کند تا عمل شيطاني قرباني کردن کودکان را محکوم و ريشه کن کند.

بنابر اين، در داستان ابراهيم، دو جنبه قابل توجه وجود دارد: يکی ايمان ابراهيم و اعتماد کامل او به معبودش که با وجود اينکه در گذشته خواهان قرباني انسان بود، اکنون قرباني قوچ را جايگزين قرباني انسان کرده است. دوم اينکه نويسنده در تلاش است تا مخاطبان خود را به تفکر وادارد و آن ها را در موقعيت مشخص و با آيين های دينی به چالش بکشد. همان خدایی که نخست زادگان و تنها پسر والدين سالخورده را مي طلبد، در لحظه نهايی قرباني کردن را متوقف و قوچی را جايگزين مي سازد. اين عمل نشان دهنده يک رويکرد نوآورانه برای انتقال پيام در مورد منع يا رد قرباني کردن نخست زادگان است. بنابر اين، نويسنده کتاب مقدس سعی دارد تا از طريق روايت داستان ابراهيم و تنها پسرش اسحاق، توجه مردم را از قرباني کردن نخست زادگان برای خدایشان منحرف کند. قرباني کردن اسحاق تنها يک آزمایش نبود، بلکه نمايانگر يک تغيير پارادایمی در نگرش نسبت به قرباني ها و نيازها و خواسته های الهی بود.

نتيجه گيري

در دوره اوليهی دين اسرائيل، تقديم نخست زادگان به عنوان قرباني برای يهوه امری رایج بود. بدین ترتيب، خدای کتاب مقدس عبری به آن ها دستور داده بود که نخست زادگان خود را به او تقديم کنند، با اين حال، نويسندگان کتاب مقدس تلاش مي کنند خوانندگان را متقاعد کنند که اين آيين وارداتی بوده و نارضايتی يهوه را به دنبال داشته است. به نظر مي رسد کاتبان کتاب مقدس بر اساس درک خود از قرباني کردن کودکان در زمان نگارش، به جای توجه به تاريخچه اين اعمال، مي نوشتند و استدلال مي کردند. آن ها با قبول اين واقعيت که اين عمل در دوران قبل انجام مي شده

و امری رایج بوده، تلاش کرده اند تا این عمل منفور را از دین کتاب مقدس عبری حذف کنند، این آئین، صرف نظر از اینکه آیا تلفیقی از آئین های دیگر بوده یا نه، توسط مردم به عنوان نوعی عبادت قابل قبول تلقی می شد و آن ها با توجه به سابقه ای که از این آیین داشتند، بدون هیچ ترس یا اکراهی این کار را انجام می دادند. این موضوع زمانی بیشتر آشکار می شود که داستان قربانی فرزند ارشد توسط ابراهیم را مورد کنکاش قرار دهیم.

منابع

- (۱) کتاب مقدس
- (۲) اشتاین سالتز، آدین (۱۳۹۳)، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- (۳) آقایی، احمد (۱۳۹۱)، قربانی در آئین یهود، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، شماره ۵۳
- (۴) الیاده، میرچا (۱۳۹۹). رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش
- (۵) بایر ناس، جان (۱۳۸۱). تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران انتشارات علمی و فرهنگی

(۶) هاکس، جیمز (۱۳۸۳) قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر

- 7) Ackerman. S. (1992). Under Every Green Tree: Popular Religion in Sixth-Century Judah.
- 8) Blome. F. (1934). Die Opfermaterie in Babylonien und Isarel, (vol. 1, p. 388)
- 9) Dussaud. (1921). Les origins cananeenes du sacrifice Israelite (Paris: Ernest Leroux).
- 10) Eissfeldt. O. (1935). Molk als Opferbegriff im Punischen und Hebraischen und das Ende des Gottes Moloch, Halle: Niemeyer.
- 11) Fohrer. G. (1973). History of Israelite Religion, London: SPCK Publishing.
- 12) Frazer. J. G. (1911). The Golden Bough: The Dying God, (vol 4. London: Macmillan).
- 13) Kittel. R. (1909). Geschichte des Volks Israel, (vol. 2 Gotha: Friedrich Andreas Pethes).
- 14) Levenson. J. D. (1993). The Death and Resurrection of the Beloved Son, London: Yale University Press.
- 15) Mosca. P. G. (1975). "The Child Sacrifice in Canaanite and Israelite Religion: A Study in Mulk and mlk" Unpublished Dissertation; Harvard University.

- 16) Smend. R. (1899). Alttestamentlichen Religionsgeschichte (Freiburg: J C B Mohr).
- 17) Smith & Homer. w. (1975). Man and his Gods. New York: Grosset and Dunlap.
- 18) Smith. W. R. (1889). Lectures on the Religion of the Semites, New York: D Appelton & Co.
- 19) Wellhausen. J. (1885). Prolegomena to the History of Israel, trans. J. Southerland Black and A. Menzies; Edinburgh: A & C Black.
- 20) Wendel. A. (1927). Das Opfer in der altisraelitischen Religion.
- 21) Blood for the Gods: 10 Cultures that Engaged in Ritual Sacrifice (2022). <https://www.ancient-origins.net/history-ancient-traditions/ritual-sacrifice-0017159>
- 22) Kuroski. John. (2017). Human sacrifice in the pre-Columbian Americas: separating fact from fiction. <https://allthatsinteresting.com/human-sacrifice/3>